

عنوان مقاله: معرفی بخش اقتصادی دائرة المعارف لیدن هلند (اقتصاد در قرآن)

نویسنده: سعید، عبدالله

نویسنده: فضلی، مهدی

چکیده:

کلمات کلیدی:

با گسترش ارتباطات و آشنایی مردم مغرب‌زمین با فرهنگ و اعتقادات گرایش چشمگیری به مطالعه منابع دین اسلام به ویژه مشرق زمین، مشاهده، و در این جهت، با اهداف و اغراض قرآن، در میان تحصیل‌کردگان تفسیرهایی از قرآن و متون گوناگون و در مواردی مغرضانه، ترجمه‌ها و دائرة «دینی اسلام ارائه می‌شود. متن زیر ترجمه «اقتصاد در قرآن» المعارف قرآنی لیدن هلند است که در آن، معارف اقتصادی قرآن به صورت ارائه شده است. افزون بر دسته‌بندی گزارش گونه‌ای از مفاهیم چکیده دارد، محققان و خوانندگان مجله را با کم و کیف قرآنی که فی‌نفسه ارزش مذکور آشنا می‌سازد نشر معارف قرآن در مجموعه‌های

اقتصاد، علمی است که در خصوص تولید و توزیع منابع مادی جامعه قرآن، اقتصاد در قالب احکام، مقررات و مطالعه می‌کند. در به طوری که این دستورات عمل‌های حقوق اسلامی بیان شده است؛ شخص احکام و مقررات، در اکتساب و تنظیم منابع مادی و ثروت، بر رفتار و جامعه، حکم‌فرما است؛ از این رو می‌پسینیم موضوعاتی نظیر مالیات بر اقتصادی دولت، بازارها، قیمت‌ها و مدیریت اقتصادی اهل درآمد، نقش در کتاب‌های دانشمندان مسلمان نوشته خانه که پیش از دوران معاصر اقتصادی را قسمتی از ادبیات حقوقی به طور کلی موضوعات⁽¹⁾ شده، اسلام (فقه) می‌داند. در آغاز

قرن بیستم نیز بسیاری از دانشمندان مسلمان کوشیدند تا نظام اقتصادی قالب مقرراتی که هم متکی به دستورات عمل‌های مندرج در اسلام را در هم مبتنی بر ماحصل تجربه تاریخی متون شرعی (قرآن و حدیث) و - چنان که پیش‌تر ذکر مسلمانان باشد، ارائه دهند؛ البته باید توجه داشت نکرده شد - قرآن طرحی جامع و کلی برای نظام اقتصادی اسلام ارائه است؛ بلکه متضمن یک سلسله ارزش‌ها، دستور العمل‌ها و مقرراتی صورت پایه‌های ایجاد نظام‌ها و تأسیسات مناسب برای است که به از این رو قرآن ارزش‌های مثبت فراوانی⁽²⁾ می‌کنند؛ جامعه مسلمانان عمل روی، امانتداری و مهربانی با محرومان و ارزش‌های همچون عدالت، میانه اسراف، خست و احتکار را برای منفی بسیاری نظیر بی‌عدالتی، حرص، ممنوع اقتصادی مثل این منظور ذکر کرده و به همین ترتیب، فعالیت‌های

مشروع بودن برخی مصرف نامشروع اموال و قمار را مشخص، و بر⁽³⁾ ربا، فعالیت‌های دیگر همچون تجارت تأکید کرده است.

به طور کلی می‌توان پنج حوزه مشخص از اصول رفتار اقتصادی را در قرآن ترتیب عبارتند از یافت که به

1. عدالت و مسؤولیت اجتماعی؛

2. اکتساب ثروت؛

3. تنظیم ثروت؛

4. حمایت از محرومان؛

5. تنظیم معاملات از طریق عقود.

عدالت و مسؤولیت اجتماعی. 1.

طبق قرآن، عدالت (عدل) باید در همه شؤون زندگی انسان و از جمله و از اشخاصی که به نوعی با امور اقتصادی سر و⁽⁴⁾ شود اقتصاد، رعایت می‌خواهد که منصفانه، به درستی، صادقانه و با روح تعاون کار دارند، قرآن آزادانه و عاری از اجبار به قراردادهای، باید وصفی رفتار کنند. جهت ورود عمل آید و هنگام مبادله اجناس، از منصفانه از کالای مورد معامله به⁽⁵⁾ اطمینان حاصل شود استاندارد دقیق مقیاس‌ها و موازین مورد استفاده متضمن مفهوم مبادله در عقودی چون بیع، شراء و اجاره هم که به نوعی تسلیم هستند، باید عدالت و تساوی در مبادله یعنی عدالت بین آن چه می‌شود و آن چه به دست می‌آید، احراز شود؛ بدین سبب به نظر در معامله به بی‌عدالتی فاحش منتهی می‌شود، می‌رسد اعمالی که⁽⁶⁾ است حرام یا مکروه.

بی‌عدالتی (ظلم) و استبداد (بغی، طغیان، عدوان) موضوعات مشخصی با شدیدترین عبارات از آنها منع شده است. آنانی هم که در قرآن بوده و توبه دعوت، و به آنان اخطار می‌شود که مرتکب بی‌عدالتی می‌شوند، به و حتی در این⁽⁸⁾ و⁽⁷⁾ بود مجازات سختی در آخرت در انتظارشان خواهد همچنین در قرآن، بسیاری از اعمال حرام⁽⁹⁾. کشید دنیا نیز رنج خواهند تدلیس، تقلب و سرقت در تجارت و امور مالی، همچون دغلكاری، فریب، شده‌اند اعمال غیر عادلانه و ناروا معرفی

قرآن از جامعه خواسته است تا از بقای عدالت در خود اطمینان یافته، از پرهیزد؛ یعنی آن گاه که هنجارها و قواعد قرآنی نقض بی‌عدالتی چه فردی و چه گروهی، می‌خواهد که می‌شود، قرآن از جامعه و مردم،

این مسؤولیت از .همچون گذشته بر عودت هنجارهای مقبول نظاره کنند طریق رهنمود قرآنی «امر به معروف و نهی از منکر» عملی می‌شود و ⁽¹⁰⁾ به آن، تحت عنوان ضرورتی جهت همبستگی اجتماعی می‌نگرد قرآن وجود عدالت در حوزه رفتارها و فعالیت‌های اقتصادی، طبق اطمینان از که فرمان‌های اخلاقی و قانونی مقرر در قرآن، وقتی حاصل خواهد شد در عمل ⁽¹²⁾ واصله از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و هنجارهای رفتاری ⁽¹¹⁾ قرآن به کار بسته شود.

2. اکتساب ثروت

بشر، چنان که در قرآن آمده، ذاتاً به ثروت و منفعت مادی علاقه‌مند و با وجود این، باید توجه داشت که قاعده‌مند کردن چنین مشتاق است؛ ارزش‌های روحی و اخلاقی، به تعادل اشتیاقی با مد نظر قرار دادن نه تنها علاقه به اجتماعی و اقتصادی خواهد انجامید؛ بدین سبب قرآن ناپسند و داشتن زندگانی راحت را ⁽¹³⁾ آسودگی و تشریفات مادی مسلمانان و ⁽¹⁴⁾ نمی‌شمارد، بلکه آن‌ها را یکی از لذات این جهان برشمرده تشویق کرده ⁽¹⁵⁾ را برای جست‌وجو و کسب آن‌ها، حتی در طول حج است. حتی قرآن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اجازه داده که از طول نماز ⁽¹⁶⁾ .مبادا فعالیت‌های اقتصادی مختل شود بکاهد تا

قرآن بارها تأکید کرده که همه اشیا در جهان، از آن خدا است که آفریدگار پس ⁽¹⁸⁾ و هر گونه مالکیت انسانی، امانی شمرده می‌شود؛ ⁽¹⁷⁾ است و از سوی خداوند به ⁽¹⁹⁾ ثروتی هم که به شخص ارزانی شده برکت بوده اما با وجود این که تمام اشیا از آن خداوند ⁽²⁰⁾ امانت نهاده شده است؛ اسپت، قرآن از افراد می‌خواهد که در سهم بردن از این ثروت بکوشند؛ اما توجه داشته باشند که کوششی فعالیت سودمند تلقی در عین حال، مقرر قرآنی در آن رعایت شده باشد. در می‌شود که قواعد و رهنمودهای هم یک حق شمرده این صورت خواهد بود که ماحصل مالکیت خصوصی شده، باید مورد

حقوقی با وجود این، در برابر تمام این‌ها، جامعه هم ⁽²¹⁾ .حمایت قرار گیرد چند بر مال شخص دارد؛ چه، مالکیت خصوصی نامحدود، تعهدات می‌کند و از نظر قرآن باید در اکتساب ثروت بین منافع و اجتماعی را زایل کنار هم حرکت می‌کنند، تعادل برقرار حقوق شخص و نیازهای جامعه که سالم اقتصادی از باشد. این امر از ویژگی‌های اساسی یک چشم‌انداز نظر قرآن است.

در قرآن، راه‌های گوناگونی جهت اکتساب ثروت ذکر شده که به نظر آن‌ها که نمود بیش‌تری دارد، کار کردن (عمل) و تحصیل می‌رسد مهم‌ترین نشان می‌دهد که تلاش و مشارکت هدفمند درآمد (کسب) است. این امر

(22) گوناگون همچون تجارت برای رسیدن به رفاه، آن هم از طریق روش‌های است؛ اما در عوض، تنبلی و اتکا تکلیف⁽²³⁾، (و حتی جهاد (کسب غنیمت قرآن از تكدی‌گری جز در .په دیگران، با اخلاق کار در قرآن منافات دارد همچون موارد نیاز، به شدت منع کرده و نیز برخی کارها و مشاغل شراب و تولید و تجارت⁽²⁵⁾ رقص و هنرهای شهوت‌انگیز،⁽²⁴⁾ فحشا، با وجود این، قرآن نه .در قرآن ممنوع اعلام شده‌اند⁽²⁷⁾ و قمار⁽²⁶⁾ مسکرات بلکه نوعی عبادت نیز⁽²⁸⁾ تنها هر کار مشروعی را خوب و مجاز می‌داند،⁽²⁹⁾ می‌شمارد.

توزیع و تنظیم ثروت .3

از نظر قرآن، تجمع ثروت در دست عده‌ای خاص به عدم تعادل اجتماعی نتیجه آن، فساد سوء استفاده از قدرت اقتصادی و می‌انجامد که حاشیه رانده شده اجتماع خواهد بی‌عدالتی در برابر اشخاص ضعیف و به مسأله توزیع ثروت، بود؛ بدین جهت، از عمده ویژگی‌های دیدگاه قرآن به طور الزام اشخاص پرخوردار از رفاه مادی به دادن سهمی از ثروتشان به مرتب به طبقات خاصی از مردم، در برخی زمان‌ها و برخی موقعیت‌های است خاص.

(30) نیازمندان، قرآن بارها به مؤمنان امر کرده که از اموال خود به فقیران و چنین بخششی را دارای خویش ببخشند. قرآن⁽³¹⁾ والدین و خویشاوندان افراد مرتبط کرده و آنانی را که⁽³³⁾ اعتقاد و آن را با⁽³²⁾ پاداش فراوان دانسته از این عدالت⁽³⁴⁾ .عذابی سخت انذار می‌دهد کریم و بخشنده نیستند، به یاد شده است توزیعی در قرآن با واژه احسان

در باره زکات و صدقات هم هر چند قرآن آن‌ها را در بدو امر اختیاری بعدها احکام صادره از پیامبر، زکات را اجباری (و به صورت حقی می‌داند، آن) می‌کند؛ ولی صدقات را همچنان ارادی (و برای دریافت کننده بخشنده) می‌شمارد؛ از این رو، نشانه‌ای از کرامت و خوش قلبی فرد توأم است. از دیگر دستور قرآن برای بخشش به طور معمول با اجرای نماز موارد مهم در توزیع و اکتساب ثروت

در قرآن، بیان مقررات درباره ارث است به این معنا که چه میزان مال پس چه، توزیع اجباری ترکه میان⁽³⁵⁾ .کسی به دیگری به ارث می‌رسد از مرگ خانواده، توزیع ثروت در جامعه را تقویت کرده و با این اندیشه قرآن اعضای در دست افراد می‌داند، منطبق است؛ اما در عین حال، که مال را امانتی که به خواست خود، یک سوم از اموالش را سنت، به مالک مال اجازه داده این امر نیز موردی دیگر از⁽³⁶⁾ .کند (به طور مثال برای اهداف خیر) وصیت جلوگیری از تمرکز ثروت در هدف قرآن در حفظ همبستگی اجتماعی با دست عده‌ای خاص است

از نظر قرآن، اکتساب مال به این معنا نیست که مالک، حق انحصاری بر دارد و هر گونه که بخواهد می‌تواند در آن تصرف کند؛ بلکه اموال خویش خست،⁽³⁷⁾ گردش بوده، منصفانه تقسیم شود ثروت باید مدام در حال نیز⁽³⁹⁾ و میانه‌روی و اعتدال تشویق شده‌اند⁽³⁸⁾ است مورد انتقاد بوده ثروت ممنوع است و آنان که سرپیچی کنند، به آتش جهنم انداز احتکار اسراف مال نیز ممنوع، و جامعه نیز به مراقبت از اشخاصی⁽⁴⁰⁾ می‌شوند رساندن به خود و اموالشان هستند مکلف است که در معرض آسیب⁽⁴¹⁾ کنند (سفیهان) تا نگذارد آن‌ها مال خود را تلف

در جایی دیگر از قرآن آمده که مصرف بیش از نیاز (اسراف) به فساد افراد به همین ترتیب،⁽⁴³⁾ و عذاب شدیدی در پی دارد⁽⁴²⁾ می‌شود منتهی نباید مال خود را برای کالاها یا اعمال ممنوع مثل روابط جنسی نامشروع، یا هر چیزی که به فساد جامعه یا آسیب دیگران منتهی می‌شود، الکل صرف کنند

4. عدم استثمار محرومان

از نظر قرآن، ثروت باید از طریق درگیر شدن در فعالیت‌های سودآور عین حال، نیاز بخش‌های ضعیف جامعه را هم مدنظر اجتماعی که در در شبه جزیره عربستان، مکه دارد، حاصل آید. در زمان ظهور اسلام را جهت اخذ شهری تجاری بود که در آن به طور عمده، افراد، پول خود بهره به قرض می‌دادند. که به نظر می‌رسد با ربای امروزی فرقی است. ممنوعیت اخذ ربا در چهار قسمت از قرآن ذکر شده نمی‌کرده تأکید می‌کند که ربا، مال را از برکت الهی محروم مورد اول⁽⁴⁴⁾ است؛ مورد، ربا را نکوهیده، آن را با تصاحب نامشروع مال دومین⁽⁴⁵⁾ می‌کند و⁽⁴⁷⁾ سومین مورد از مردم خواسته که از ربا بپرهیزند؛⁽⁴⁶⁾ مساوی می‌داند تمایزی مشخص بین ربا و تجارت ارائه، و تأکید می‌کند چهارمین مورد وجه بگیرند و اگر مقرض از بازپرداخت اصل پول که مؤمنان در قرض، اصل پول را⁽⁴⁸⁾ کنند ناتوان باشد، حتی از آن هم صرف نظر

افزایش ثروت از طریق ربا، از آن جهت که غیر عادلانه و استثمارگری است، ریشه‌های حرام شده

عمیق نهاد ربا به پیش از اسلام و قبل از جامعه مسلمانان باز می‌گردد. ایستادگی در برابر آن بیان داشت: هر آن کس که از این منع قرآنی قرآن با برای جنگ با خدا و پیامبرش آماده شود؛ چه، از نظر تخطی کند، باید است که شخصی ثروتمند که ثروتش از قرآن، فاحش‌ترین بی‌عدالتی آن‌جا محروم جامعه را به سوی خداوند به او امانت رسیده، بخش‌های ضعیف و می‌افتد، قرآن استثمار بکشد و از آن‌جا که ربا بیش‌تر در باره دیون اتفاق به بستانکار امر کرده که فرصت بیش‌تری به مدیونی که دچار مشکلات

و چنان چه لازم شد، حتی⁽⁴⁹⁾ است، بدهد و بهره‌ای مطالبه نکند مالی مدیون ببخشید. از سویی دیگر هم قرآن بیان کرده که قرض دادن دین را به البته باید توجه⁽⁵⁰⁾ قرض‌الحسنه) عملی خیرخواهانه است؛ بدون اخذ ربا چند قرآن در باره ربا بین ثروتمند و فقیر فرقی قائل نیست، داشت که هر وجود دارد که نشان می‌دهد تأثیر ربا بر اشخاص به نظر می‌رسد قرآینی⁽⁵¹⁾. افراد برخوردار است ضعیف و محروم جامعه، بسیار بیش‌تر از

تنظیم معاملات از طریق اجرای عقود 5.

قرآن تأکید دارد که برای تنظیم فعالیت‌های اقتصادی جامعه، باید قواعد و بر معاملات حاکم باشند؛ از این رو، خود بسیاری از قواعد مقررات است. از نظر قرآن، جهت پرهیز از سوء تفاهم و نیز قراردادهای را ارائه کرده باشد و در صورت لزوم، به رؤیت شهود بی‌عدالتی، قراردادهای باید کتبی و⁽⁵³⁾ امر کرده که به تعهدات خود همچنین قرآن به مؤمنان⁽⁵²⁾. هم برسد کنند و تأکید می‌کند که این امر، برای آنانی که وفا⁽⁵⁴⁾ به قراردادهایشان در قرآن،⁽⁵⁵⁾ تکلیف شمرده می‌شود در روز قیامت باید پاسخگو باشند، اخلاقی یا صرفاً حکمی که سبب احترام به تعهدات فقط حکم اقتصادی یا نیز به شمار رستگاری شود نیست؛ بلکه در عین حال آیتی از مؤمنان خدا شخص، ممنوع از این رو نقض سخن یا تعهد (عهد) به وسیله⁽⁵⁶⁾ می‌رود؛ کم⁽⁵⁸⁾ پرداخته، نیز به مؤمنان امر شده که قروض خود را⁽⁵⁷⁾. و حرام است امانت نهاده شده به و اشیایی را که نزدشان به⁽⁵⁹⁾ فروشی نکنند دستورات عمل‌ها و⁽⁶¹⁾. پرهیزند و از تقلب و فریب⁽⁶⁰⁾ صاحبانشان باز گردانند حقوق قراردادهای در اسلام سبب مقررات مذکور، زمینه‌ای را جهت ایجاد شده است.

بدین ترتیب با تنظیم رفتار اقتصادی، قرآن نقشی مهم به تأسیسات بازار داده و فضای کافی برای مسلمانان ایجاد کرده اقتصادی همچون نظام‌های اقتصادی لازم را در چارچوب است تا بتوانند تأسیسات و کنند؛ اما باید توجه داشت که دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای قرآنی ایجاد فعالیت‌های اقتصادی هدف غایی قرآن توجه به بقای انصاف و عدالت در است و برای رسیدن به چنین هدفی،

آزادی مطلق موجود، برای اعضای جامعه را که همواره در تلاش برای شخصی خویشند، از طریق اعمال یک سری حقوق و رسیدن به اهداف تکالیف خاص محدود می‌کند.

اصول اقتصاد اسلامی در دوره نو

در قرن بیستم، دانشمندان اسلامی کوششی وافر کردند تا این که نظام را به صورتی که هم با رهنمودهای قرآن، سنت و حقوق اقتصادی اسلام

تاریخی مسلمانان بهره برده باشد، اسلامی منطبق باشد و هم از تجربه اقتصادی اسلام ارائه دهند. آن چه می‌آید، فهرستی از اصول نظام⁽⁶²⁾ است:

1. مالکیت همه چیز فقط از آن خدا است و انسان‌ها در جایگاه نمایندگان⁽⁶³⁾ روی زمین، صرفاً از آن‌ها امانتداری می‌کنند خدا بر
2. چنان که در ارزش‌های اخلاقی هم طبقه‌بندی می‌شود، آزادی اقتصادی هم به دو طبقه حرام و حلال تقسیم می‌شوند اقتصادی و رفتار
3. مالکیت خصوصی با محدودیت‌هایی جزئی، آن هم صرفاً به منظور⁽⁶⁴⁾ جامعه به رسمیت شناخته می‌شود حمایت از منافع
4. نقش بازار مهم بوده، و هدف از نقش دولت در دخالت اقتصادی، حمایت⁽⁶⁵⁾ عمومی و تنظیم معیارهای فعالیت اقتصادی است از منافع
5. جایی که منافع فرد با منافع جامعه در تعارض قرار گیرد، به منافع جامعه ارجحیت داده خواهد شد
6. اجرت منصفانه برای کار شخص و ممنوعیت بهره‌کشی و استثمار در⁽⁶⁶⁾ شود کار باید رعایت
7. هر کس آزاد است در وضعیت اجباری که طبق قرآن و سنت مشخص دیگری را در اختیار گرفته، توزیع کند شده است، مال
8. دولت (و جامعه) باید از طریق، برنامه‌های مصرف عمومی به محرومان⁽⁶⁷⁾ کنند توجه
9. مبنای منفعت در تجارت و مبادله باید انجام کاری باشد که به لحاظ سودآور و مفید است اجتماعی
10. قرض دادن پول به منظور بهره، ربا شمرده می‌شود و معاملات و⁽⁶⁸⁾ اقتصادی باید عاری از ربا باشد فعالیت‌های
11. باید در اکتساب و تنظیم ثروت، درآمد، مصرف و هزینه، چارچوب‌ها و محدودیت‌های

قرآن مورد توجه قرار گیرد.

نکته پایانی این که در حال حاضر، برخی مؤسسات اقتصادی اسلامی اصول مذکور را در عمل به کار گیرند و همچنین تأسیس شده‌اند تا

ممنوعیت بهره شکل گرفته‌اند. مؤسّسات مالی مهمّی نیز براساس اصل استقبال هدف از چنین امری، اسلامی شدن اقتصاد و برخورداری از شایسته جهان اسلام است.

پی‌نوشت‌ها

منابع و مأخذ

ابو یوسف: کتاب الخراج، انتشارات کایرو، ۱۹۳۲ م/۱۳۵۲ ش

ابن عابدین و محمد امین ب. عمر: رد المختار علی الدر المختار، حاشیه بیروت ۱۹۸۷ م ابن عابدین،

ابن خلدون: روز نّال؛ ابن رشد: اصول مختلف فقها، ترجمه‌ای از کتاب المجتهد، ترجمه‌ای. آ. خان نیازی و م. عبدالرؤف، انتشارات بدایت ری‌دینگ، ۱۹۹۶ م

ابن تیمیه: تکالیف عمومی در اسلام، ترجمه م. هولند، مؤسّسه حسیبه، ۱۹۸۲ م

عبید: فقه المعاملات، بیروت ۱۹۹۵ م

مالک: مواطا، ترجمه آ.ا. بولی، گرانا‌دا، ۱۹۸۹ م

قرطبی: جامع

سید قطب: ضلال

فخر رازی: تفسیر

سرخسی: محمد ب. احمد: کتاب المبسوط، بیروت، ۱۹۸۹ م/ ۱۴۰۹ ق

طبری: تفسیر

طالقانی، سید محمود: جامعه و اقتصاد در اسلام، ترجمه ر. کمپیل، م. 1982 دانشگاه برکلی،

معرفی تازه‌های نشر اقتصاد اسلامی

برای مثال ر.ک: ابو یوسف: کتاب الخراج، ص ۱۸۲ - ۷۹۸؛ ابن تیمیه: 1. عمومی، ص ۷۲۸ - ۱۳۲۸ و ابن خلدون: مقدمه، ص ۸۰۹ - ۱۴۰۶ تکالیف

ر.ک: حق: آموزه‌های اقتصادی، ص ۸۱ - ۸۹ و تقوی: اخلاق، ص ۲۷ - ۲۸.
۳۷.

ر.با در نظر بیشتر تر مسلمانان مترادف با بهره است. 3.

4. نساء (۴): ۵۸؛ انعام (۶): ۱۵۲؛ هود (۱۱): ۸۴ - ۸۷؛ نحل (۱۶): ۷۶؛
15. (شوری ۴۲)

5. نحل (۱۶): ۱۵۲؛ اعراف (۷): ۸۵؛ هود (۱۱): ۸۴ و ۸۵؛ یوسف (۱۲):
۵۹.

6. ر.ک: عبارت مشروع و نامشروع و عبارت ممنوع (Lawful and
Unlawfull - Forbiddin).

7. Repentance and (مائده (۵): ۳۹ و نیز ر.ک: عبارت ندامت و توبه
Penance).

8. زمر (۳۹): ۲۴.

9. عنکبوت (۲۹): ۳۱.

10. اعراف (۷): ۱۵۷؛ توبه (۹): ۷۱ و نیز ر.ک: ابن تیمیه: تکالیف عمومی،
و نیز ر.ک: عبارت جامعه و اجتماع در قرآن 82 ص ۷۳ -

11. ر.ک: عبارات اخلاق در قرآن، خیر و شر، حقوق و قرآن.

12. ر.ک: عبارات حدیث و قرآن، سیره و قرآن، سنت.

13. کهف (۱۸): ۴۶؛ شوری (۴۲): ۳۶.

14. Material Culture and The (عبارت فرهنگ مادی و قرآن
Quran).

15. ر.ک: عبارت حج، بقره: (۲): ۱۹۸ و نیز ر.ک: قرطبی: جامع، ج ۲، ص
۲۷۴.

16. مزمل (۷۳): ۲۰.

17. ر.ک: عبارت خلقت (Creation).

18. بقره (۲): ۱۵۵ و ۲۴۷؛ اسراء (۱۷): ۶.

19. ر.ک: عبارت نعمت.

انفال (۸): ۲۸؛ نور (۲۴): ۳۳. 20.

بقره (۲): ۱۸۸. 21.

بقره (۲): ۲۷۵. 22.

انفال (۸): ۴۱، جایی که غنیمت، منبع ثروت تلقی شده است و نیز 23. کتاب مواطا، ص ۱۷۳ - ۱۷۷: ر.ک: مالک

نور (۲۴): ۳۳. 24.

اسراء (۱۷): ۲۲. 25.

بقره (۲): ۲۱۹؛ مائده (۵): ۹۰ و ۹۱ و ر.ک: س. ف. مالک: کتاب 26. 357 مواطا، ۳۵۵ -

مائده (۵): ۹۰ و ۹۱. 27.

(Prohibited Degrees) حلال، و ر.ک: عبارت درجات ممنوعه 28.

(Ritual and The عبادت، و ر.ک: عبارت مراسم عبادی و قرآن 29. Quran).

بقره (۲): ۲۷۱؛ توبه (۹): ۶۰؛ حج (۲۲): ۲۸. 30.

قرآن: بقره (۲): ۸۳ و ۱۷۷؛ نساء (۴): ۳۶. 31.

لیل (۹۲): ۵ - ۷. 32.

(Belief and Unbelief) ایمان، ر.ک: عبارت اعتقاد و بی‌اعتقادی 33.

مدثر (۷۴): ۴۲ - ۴۴. 34.

نساء (۴): ۱۱ و ۱۲. 35.

ر.ک: ابن رشد: ، ج ۲، ص ۴۰۷. 36.

حشر (۵۹): ۷. 37.

نجم (۵۲): ۳۳ و ۳۴؛ حشر (۵۹): ۹. 38.

اسراء (۱۷): ۲۹. 39.

40. توبه (۹): ۲۴ و ۲۵.
41. نساء (۴): ۵ و ر.ک: رازی: تفسیر، ج ۷، ص ۱۰۷.
42. فساد، بقره (۲): ۶۰؛ اعراف (۷): ۷۴؛ هود (۱۱): ۸۵.
43. اعراف (۷): ۸۶؛ رعد (۱۳): ۲۵.
44. ر.ک: طبری: تفسیر، ج ۳، ص ۱۹۰.
45. روم (۳۰): ۳۹.
46. نساء (۴): ۱۶۱.
47. آل عمران (۳): ۱۳۰.
48. بقره (۲): ۲۷۵ تا ۲۸۰ و ر.ک: طبری: تفسیر، ج ۳، ص ۱۰۸ - ۱۱۴.
49. بقره (۲): ۲۸۰.
50. بقره (۲): ۲۴۵؛ حدید (۵۷): ۱۸؛ تغابن (۶۴): ۱۷.
51. ر.ک: سعید: بانکداری اسلامی، ص ۲۱ - ۳۹.
52. بقره (۲): ۲۸۲ و نیز ر.ک: رازی: تفسیر، ج ۷، ص ۱۰۷.
53. انعام (۶): ۱۵۲؛ نحل (۱۶): ۹۱؛ اسراء (۱۷): ۳۴.
54. مائده (۵): ۱؛ مؤمنون (۲۳): ۸.
55. اعراف (۷): ۳۴.
56. بقره (۲): ۱۷۷ و نیز ر.ک: ضلال، ج ۱، ص ۱۶۱.
57. بقره (۲): ۲۷ و نیز ر.ک: قرطبی: جامع، ج ۱، ص ۱۷۲.
58. آل عمران (۳): ۷۵.
59. انعام (۶): ۱۵۲؛ اعراف (۷): ۸۵؛ هود (۱۱): ۸۴ و ۸۵؛ اسراء (۱۷): ۱۷. 181: (26) ۳۵؛ شعرا
60. بقره (۲): ۲۸۳؛ نساء (۴): ۵۸.

61. شعراء (٢٦): ١٨١.

62. ر.ک: طالقانی: جامعه، ص ٢٥ تا ٢٩؛ نجّار: مدخل، ص ٤٥ - ٨٧؛
.. ٥١ و ١٤٢ 2 اقتصادنا، ج ١، ص

63. ر.ک: خان: دروس اقتصادی، ص ٧.

64. همان، ص ٧ - ١٤.

65. ابن تیمیہ: تکالیف عمومی، ص ٤٧ - ٥٨.

66. همان، ص ٤٣ - ٤٥.

67. ، ص ٥ - ٣٠ (Role = ر.ک: صدیقی، نقش (وظیفه).

68. ر.ک: سعید: بانکداری اسلامی، ص ٤٩ و ٥٠ و مودودی: ربا، ص ١٣٩.
.. ١٤٢